

بندگی انسان

پادشاهی خداوند مانند مردی است که می خواست سفر کند، یک یک غلامان خود را خوانده تمام ثروتش را به آنان سپرد و به هر یک به نسبت توانائیش سهمی داد - به یکی پنج کیسه زر و به دیگری دو کیسه و به سوّمی یک کیسه، و پس از آن به سفر رفت. مردی که پنج کیسه زرّ گرفته بود بدون اتلاف وقت با آنها تجارت کرد و پنج کیسه زرّ سود برد. همچنین آن مردی که دو کیسه زرّ داشت دو کیسه دیگر سود آورد. اما آن مردی که یک کیسه زرّ به او داده شده بود رفت و زمین را کند و پول ارباب خود را پنهان کرد. بعد از مدّت زیادی ارباب برگشت و با آنها به تسویه حساب پرداخت. کسی که پنج کیسه زرّ به او داده شده بود آمد و پنج کیسه ای را هم که سود برده بود با خود آورد و گفت: "تو این پنج کیسه را به من سپرده بودی، این پنج کیسه دیگر هم سود آن است." ارباب گفت، "آفرین، ای غلام خوب و امین، تو در امر کوچکی امانت و درستی خود را نشان دادی، من حالا کارهای بزرگ را به تو خواهم سپرد، بیا و در شادی ارباب خود

شریک باش. " آن گاه مردی که دو کیسه زر داشت آمد و گفت، " تو دو کیسه به من سپردی، این دو کیسه دیگر هم سود آن است. " ارباب گفت، " آفرین، ای غلام خوب و امین تو در کار کوچکی امانت و درستی خود را نشان دادی و حالا کارهای بزرگ را به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی ارباب خود شریک باش. " سپس مردی که یک کیسه به او داده شده بود آمد و گفت، " ای ارباب من می دانستم که تو مرد سختگیری هستی، از جایی که نکاشته ای درو می کنی و از جایی که نپاشیده ای جمع می نمائی پس ترسیدم و رفتم و طلای تو را در زمین پنهان کردم. بفرما، پول تو این جاست، " ارباب گفت، " ای غلام بد سرشت و تنبل، تو که میدانستی من از جایی که نکاشته ام درو می کنم و از جایی که نپاشیده ام جمع می کنم، پس به همین دلیل می باید پول مرا به صرافان می دادی تا وقتی من از سفر بر می گردم آن را با سودش پس بگیرم. کیسه زر را از او بگیرد و به آن کس که ده کیسه دارد بدهید، زیرا آن کس که دارد به او بیشتر داده خواهد شد تا به فراوانی داشته باشد و آن کس که ندارد حتی آن چه را هم که دارد از دست خواهد داد. این غلام بی فایده را به تاریکی بیندازید جایی که گریه و دندان بر دندان سائیدن وجود دارد. " (متی ۱۴:۲۵-۳۰).

۱ - خداوند مالک کل است

منظور مسیح در گفتن این داستان آن است که ما بدانیم هر چه داریم از خدا دریافت کرده ایم. خداوند انتظار دارد هر چه داریم برای جلال

او صرف کنیم. انسان مباشر خدا می باشد. وقتی که خودمان را بدو تسلیم میکنیم دارائی خود را نیز بدو ارائه میکنیم چون میدانیم که دهنده اصلی خداوند است.

وظیفه مباشر این است: "مسلماً یک مباشر باید قابل اعتماد باشد." (اول قرنیتان ۲:۴). هر کس دوست دارد با مردمان قابل اعتماد معاشرت کند. خداوند هم کسی را که کاملاً امین و قابل اطمینان است می پسندد. کسی که خود را به خداوند تسلیم کرده باشد اموالش نیز بخداوند سپرده است زیرا که خداوند قدرت جمع کردن ثروت را به شخص می دهد. مکتوب است "بلکه یهوه خدای خود را به یاد آور زیرا اوست که به تو قوت می دهد تا توانگری پیدا نمائی." (تثنیه ۱۸:۸).

سخاوت شخص نشان وفاداری او نسبت بمالکیت خداست. هنگام عبادت باید هدیه ای به حضور او بیاوریم چنان که حضرت داوود نیز می فرماید: "خداوند را به جلال اسم او توصیف نمائید، هدیه بیاورید و به صحنهای او بیائید." (مزمور ۸:۹۶). یکی از قسمتهای مهم عبادت تقدیم هدیه بخالق می باشد. روح سخی برکات را دریافت خواهد نمود: "تمامی عشرها را به مخزنهای من بیاورید تا در خانه من خوراک باشد و یهوه صباوت می گوید مرا به این طور امتحان نمائید که آیا روزنهای آسمان را برای شما نخواهم گشاد و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که گنجایش آن نخواهد بود." (ملاکی ۱۰:۳).

پس از دادن خمس و عشر و هدایا خداوند باقی مانده دارائی ما را

برکت میدهد. نه دهم (نود در صد) حقوق شخص به اضافه برکت خداوند از ده دهم (یا صد در صد) اصلی هم بیشتر است. اعتراف مالکیت خداوند از معرفتهای ارزنده انسان است. یکی از علل سردی مردم نسبت به خداوند این است که چیزی در راه او نداده اند. رسول خدا میفرماید: "به یاد داشته باشید: کسی که بذر کم بکارد محصول کم درو خواهد کرد و آن که دانه بسیار بکارد محصول فراوان درو خواهد نمود." (دوم قرنتیان ۶:۹).

برکت خداوند بستگی مستقیم با تعهدات و امانت اشخاص نسبت باو دارد. خداوند امر می کند: مقدّسان مرا نزد من جمع کنید که عهد را با من به قربانی بسته اند." (مزمور ۵:۵۰). منظور تقدیم هدایا این نیست که خداوند محتاج آن است و با دادن یا ندادن آن خداوند توانگر و یا فقیر نمیشود. برعکس وقتی که عسرها و هدایای خود را در راه خداوند تقدیم میکنیم به اصطلاح وسیله بهتری برای پیش بردن کار خداوند می شویم. این همکاری بسیار با ارزش است. هر کس، اعم از این که غنی یا فقیر باشد می تواند از این موقعیت استفاده کند.

خداوند توسط نبی می فرماید: "زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن من اند و بهایمی که بر هزاران کوه می باشند. همه پرندگان کوهها را میشناسم و وحوش صحرا نزد من حاضرند. اگر گرسنه می بودم ترا خبر نمیدادم زیرا ربع مسکون و پری آن از آن من است." (مزمور ۱۰:۵۰-۱۲).

حقیقت امر این است که خداوند احتیاج به ما یا به پول ما ندارد

ولی ما نان خوار روزانه او هستیم. به علاوه ما هم نمی توانیم چیزی به خدا بدهیم زیرا که چیزی نداریم و آنچه به دست ما سپرده شده است از آن اوست. ما فقط مباشر وی می باشیم.

۲ - هدیه بی قیمت بی ارزش است

روزی حضرت داوود خواست به حضور خداوند قربانی بگذراند. خواست قطعه ای زمین بخرد و در آنجا مذبحی بنا کند و بر آن قربانی ذبح نماید. صاحب زمین حاضر شد قطعه زمین را با دو گاو که با آنها شخم میکرد برای قربانی پادشاه تقدیم کند. ولی پادشاه خواهش او را قبول نکرد. گفت، "نی بلکه البتّه به قیمت از تو خواهم گرفت و برای یهوه خدای خود قربانیهای سوختنی بی قیمت نخواهم گذرانید." (دوم سموئیل ۲۴:۲۳). پس داوود خرمنگاه و گاوان را به پنجاه مثقال نقره خرید و در آنجا مذبحی برای خداوند بنا نموده قربانیهای سوختنی و ذبایح سلامتی گذرانید.

حضرت داوود می دانست که خداوند محتاج هدایای وی نخواهد بود. خداوند نه زمین را می خواست و نه حیوانهای ذبحی. چیزی را که خداوند از داوود انتظار داشت قلبی متواضع بود که حقانیت پروردگار را بشناسد و بجا آورد تا مالکیت پروردگار را بشناسد. هدیه ای که قیمت ندارد ارزش هم ندارد. درک این حقیقت رضایت بخش است. پولس رسول می گوید: "زیرا با قیمت گزاف خریده شده اید. پس بدنهای خود را برای جلال خدا به کار ببرید." (اول قرنتیان ۶:۲۰).

شخص حکیم می داند که خداوند مالک کلّ است و برای اعتراف آن، مقداری از آن چه به او سپرده شده است به عنوان خمس و عشر و هدایا مرتب تقدیم میکند. با آن عمل بندگی خود را اقرار میکند و پنجرهٔ برکات سماوی را به سوی خود میگشاید. هر کس مطابق قدرتش میتواند هدیه بدهد. "پس هر کس باید مطابق آن چه پیش خود تصمیم گرفته است بدهد و نه از روی بی میلی و اجبار، زیرا خدا کسی را دوست دارد که با شادی می بخشد." (دوم قرن تیان ۷:۹).

کسی که در بخشش بخیل و نظر تنگی می کند از دریافت برکات سخی خداوند محروم می ماند. همه مثل هم هدیه و خمس و ده یک نمیدهند. داستان نقل شدهٔ بالا نشان میدهد که غلامی که دو کیسه گرفت نسبت به غلامی که پنج کیسه گرفت کمتر یا بیشتر پاداش نیافت. هر کدام بهترین سعی خود را انجام داد. مقدار یا بزرگی هدیه ما باید نسبت به برکات دریافت شده باشد. دستور پروردگار از این قرار است: "هر کسی به قدر قوت خود به اندازه برکتی که یهوه خدایت به تو عطا فرماید بدهد." (تثنیه ۱۷:۱۶).

اگر کسی گیرنده برکتی نباشد بنابراین نباید چیزی در راه خداوند بدهد. ولی آن شخص کجاست که از آب صاف و هوای پاک استفاده نکند؟ کجاست آن مردی که روزانه خوراک و پوشاک از خداوند نگیرد؟ در تقدیم هدایا شخص به بزرگی خداوند و بندگی خود اعتراف میکند یعنی هر یک

باید به نسبت در آمد خود عشر (یک دهم) و هدیه بدهد. (اول قرنتیان ۲:۱۶ را ملاحظه کنید).

بسیاری میگویند: "می خواهیم در راه خداوند هدیه بدهیم ولی بعد از پرداخت کرایه منزل و پول برق و آب و خرج مدرسه بچه ها و دکتر و دارو و خوراک و بیمارستان و لباس، چیزی برای خداوند نه فقط باقی نمی ماند بلکه بدهکار هم هستیم." عیب کار در همین جاست. حساب آنان وارونه شده است. خداوند می خواهد اول ده یک در آمد را به او بدهیم و بعد مخارج یومیۀ خود را پردازیم آن وقت حقوق ما برکت خواهد داشت. در مقابل گفتار مردم، ملاحظه کنید خداوند چه میفرماید: "از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همهٔ محصول خویش، آنگاه انبارهای تو به وفور نعمت پر خواهد شد و چرخشهای تو از شیرۀ انگور لبریز خواهد گشت." (امثال سلیمان ۳:۹ و ۱۰). "نخستین نوبر زمین خود را به خانۀ پهوه خدای خود بیاور." (خروج ۳۴:۲۶).

وقتی که حقوق ماهیانه خود را میگیریم باید اول سهم خداوند را جدا کنیم و بقیه را برای احتیاجات خود خرج کنیم . اگر خداوند را مقدم بر همه چیز قرار دهیم آن گاه او احتیاجات ما را با برکات و نعمات فراوان برآورده خواهد نمود. برکات را با ریال و دلار نمیشود مقایسه کرد. به این ترتیب در ایمان باز می شود. عشر، اولین دهم است نه آخرین، و چون مال ما نیست بلکه مال خداست مقدّس می باشد. خداوند چنین حکم می

کند: "تمامی دهیک زمین چه از تخم زمین چه از میوه درخت از آن خداوند است و برای خداوند مقدّس میباشد." (لاویان ۳۰:۲۷).

اگر چه خداوند مالک کلّ است نه دهم (نود در صد) محصولات زمین یا گله یا حقوق را برای مخارج روزانه به ما عطا کرده است ولی آن ده یک اول را به ما سپرده است تا با آن به مالکیت او اعتراف کنیم. این آزمایشی بر امانت داری ما میباشد. توسط ملاکی نبی خداوند سؤال میکند و پس جواب میدهد: "آیا انسان خدا را گول زند؟ اما شما مرا گول زده اید و می گوئید در چه چیز ترا گول زده ایم؟ در عشرها و هدایا." (ملاکی ۸:۳).

۳ - صداقت نسبت به خداوند

همه دوست دارند با مردمان درستکار طرف معامله شوند. دوستان صادق با ارزش هستند. خداوند افرادی را مؤمن می داند که دین خود را در عشر و هدایا مرتباً به او ادا کنند. البته این وجوه را باید به کسانی بپردازیم که در اشاعة کلام خدا هستند ولی حساب آن در دفاتر آسمانی قید میشود: "در این جا (یعنی در این جهان) مردمان مردنی ده یک می گیرند اما در آن جا (یعنی در سما) کسی که بر زنده بودن وی شهادت داده میشود." (عبرانیان ۸:۷ ترجمه قدیم).

در طول قرن‌ها چنین مقرر شده که فرستاده های خداوند و مشربین کلام او از عشر مذکور معیشت یابند: "به همان طریق خداوند دستور داده است کسانی که بشارت می دهند معاش خود را از آن راه تأمین کنند." (اول قرنتیان

خداوند را شکر که به وسیله افراد مؤمن انتشار انجیل و کار خداوند پیش برده میشود. و در ضمن در اجرای دین خود امین می باشند. در روز حساب داور به کسی که عشر و هدایای خود را پرداخته باشد خواهد گفت: "آفرین ای غلام خوب و امین تو در کار کوچکی امانت و درستی خود را نشان دادی و حالا کارهای بزرگ را به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی ارباب خود شریک باش."

یکی از محاسن دیگر پرداخت عشر و هدیا این است که دهنده بیشتر به فکر مسائل روحانی میباشد. مسیح مبرماید که: "گنجهای خود را بر روی زمین، جایی که بید و زنگ به آن زیان میرساند و دزدان نقب زده آن را می دزدند، ذخیره نکنید. بلکه گنجهای خود را در عالم بالا، یعنی در جایی که بید و زنگ به آن آسیبی نمی رسانند و دزدان نقب نمیزنند و آن را نمی دزدند، ذخیره کنید. زیرا هر جا گنج تو است دل تو نیز در آنجا خواهد بود." (متی ۶:۱۹-۲۱).

پس انداز در بانک آسمانی امن است زیرا که در آنجا نه بید می خورد و نه زنگ می زند، و نه دزد نقب می زند. خواهی نخواهی قلب شما، فکر و اندیشه شما در گنج شما متمرکز است. بعضیها میگویند: "ای کاش دولتتمند بودم تا میتوانستم به خداوند هدایای زیاد دهم. ولی چون مردی فقیرم انتظار دارم خداوند به من کمک کند." دوست گرامی، اگر فکر شما چنان باشد به خاطر آورید که بخشش خداوند شامل حال همه

است. شما حتّی یک نکه نان خشک نمی خورید مگر اینکه آن را از خدا دریافت کرده باشید. وقتی شخص موفقیتی بدست میآورد خداوند توفیق انجام آن را میدهد. و از طرف دیگر شخص چه قدر باید ثروت داشته باشد تا کافی باشد؟ مرز بین فقر و ثروت کجاست؟

روزی مسیح با شاگردانش در کنیسه ایستاده بودند به افرادی که هدایایشان را به صندوق می ریختند می نگریستند. توانگران با تشریفات پرصدا طلا و نقره خود را به صندوق می ریختند. عدّه ای هم نام و مبلغ پرداختی خود را، یا این که کدام مسجد و معبد و مدرسه و بیمارستان را ساخته اند روی تابلو روبروی محل ورودی می نوشتند. بین دهندگان بیوه زنی بود که دو فلس در دست داشت. نسبت به میلیاردها پول ثروتمندان هدیه وی بسیار ناچیز مینمود. مسیح دانست که آن دو فلس آخرین دارائی زن بیچاره است که آنها را بدون تظاهر تشریفات به صندوق انداخت و به زودی از کناری خارج شد. هر چه داشت به خداوند داده بود! در حقّ وی مسیح فرمود: "یقین بدانید که این بیوه زن فقیر بیش از همه کسانی که در صندوق پول ریختند پول داده است چون آنها از آنچه که برای آن مصرفی نداشتند دادند، اما او با وجود تنگدستی هرچه داشت یعنی تمام معاش خود را داد." (مرقس ۴:۱۲).

منظور این است که مقدار هدیه اهمّیت ندارد. خداوند مقدار داده شده را نمیسجد بلکه مقدار باقی مانده و همچنین روحیه دهنده را در

نظر میگیرد. خداوند بندگان را توسط قربانی عظیم باز خرید نموده است. چون ما مدیون او هستیم باید نوبت محصول یا اولین درآمد خود را به او ارائه دهیم. وقتی که حق خداوند را و مالکیت او را درک کنیم از برکات بیکران او برخوردار خواهیم شد.

آمتحان درس بیست و نهم

۱ - در داستان مسیح چه شخصی نمونه ای از کسانی است که مالکیت خدا را قبول نمی کنند؟

- () ا- شخصی که یک کیسه زرّ به او داده شد
- () ب- شخصی که دو کیسه زرّ به او داده شد
- () ج- شخصی که پنج کیسه زرّ به او داده شد

۲ - بالاخره کدام یک از نامبردگان ذیل واقعاً سهم بیشتری در برکات خداوند دارند؟

- () ا- کسی که تمام دارائی خود را برای خود نگه میدارد
- () ب- کسی که گاهی هدیه ای بدیگران و بخدا میدهد
- () ج- کسی که بطور امین و مرتّب عشر و هدایا را میپردازد

۳ - اگر خداوند مالک کلّ است، پس انسان اصلاً چرا عشر و هدایا میدهد؟

- () ا- تا دارائی خداوند بیشتر شود
- () ب- برای رفع خود خواهی از خویشتن
- () ج- برای استفاده خود دهنده

۴ - از جملات ذیل کدامین درست است؟

- () ا- خداوند مقدار داده شده را نمیسنجد
- () ب- خداوند روحیه دهنده را در نظر می گیرد
- () ج- شخص مؤمن باید آل فکر زن و بچه هایش باشد بعد به خدا بیاندیشد
- () د- شخص مؤمن باید اول نوبر محصول یا اولین درآمد خود را به خداوند تقدیم کند و بعد مخارج شخصی خود را در نظر گیرد

جوابهایی صحیح. ۱=ا \ ۲=ج \ ۳=ب \ ۴=ب و د.